بسم‌الله الرحمن الرحیم

**فهرست مطالب**

[مفهوم شناسی غیبت 2](#_Toc430537521)

[مبحث شانزدهم: معلومیت و مرددیت مغتاب 2](#_Toc430537522)

[نظریه آیت‌الله تبریزی (ره) 2](#_Toc430537523)

[اشکال به نظر آیت‌الله تبریزی (ره) 2](#_Toc430537524)

[نتیجه‌گیری 3](#_Toc430537525)

[فروعات بیان نظر امام (ره) 3](#_Toc430537526)

[اقسام امر مردد و مبهم 3](#_Toc430537527)

[الف) مبهم علی الاطلاق 3](#_Toc430537528)

[ب) مبهم فی عالم الذهن و علم 3](#_Toc430537529)

[ج) مبهم و مردد اثباتی اظهاری 4](#_Toc430537530)

[غیبت مبهم و مجمل 4](#_Toc430537531)

# مفهوم شناسی غیبت

# مبحث شانزدهم: معلومیت و مرددیت مغتاب

در این مبحث این سؤال مطرح بود که آیا معلومیت مغتاب به حیث تفصیل شرط است یا خیر؟ در این زمینه دو نظریه وجود دارد. یک دیدگاه و نظریه و رویکرد تحریمی حضرت امام (ره) است. البته ایشان تعریف غیبت را همان «مایکره» گرفته‌اند.

دیدگاه دوم، جوازی و عدم تحریمی است. این نظر آیت‌الله خویی (ره) است. ایشان غیبت را بر «کشف ما ستره الله» تعریف کرده‌اند.

## نظریه آیت‌الله تبریزی (ره)

در اینجا دیدگاه سومی وجود دارد که متعلق به آیت‌الله تبریزی (ره) است. ایشان نظر حضرت امام (ره) را قبول کردند اما با روش متعارف و روشنی این مطلب را بیان کردند. مبنای ایشان نیز «ماستره الله» است. علی‌القاعده نیز بر مبنای تعریف، این قسمت را شامل نمی‌شود و جایز است. این مبنا همان مبنای آیت‌الله خویی (ره) است. اما ایشان می‌فرمایند در جایی که مردد بین محصور باشد، اشکال دارد. ایشان از راه تنقیح مناط و الغای خصوصیت مسیر را طی کرده‌اند. ایشان می‌فرمایند اگر ما معنای «ماستره الله» را بپذیریم، اگر کسی بگوید زید یا اینکه زید یا بکر، فلان هستند،‌تفاوتی ندارند. این همان نظر امام (ره) است. اما نه از باب اینکه تعریف بر مورد صادق است. بلکه از باب الغای خصوصیت این نظر را می‌فرمایند.

### اشکال به نظر آیت‌الله تبریزی (ره)

این نظر تام نیست. اگر فرض کنیم که ملاک «مایکره» نیست و «ستر» است و ظاهر ستر نیز در جایی است که شخص معین باشد، کشف ستر مبهم و مجمل موردنظر نیست. با تمام موارد بالا نقدی که بر نظر آیت‌الله تبریزی (ره) وارد است به شرح زیر است:

با اینکه ایشان ستر را پذیرفتند. از طرفی ستر شخص معین را پذیرفته‌اند. درنتیجه در دلیل بیش از این نیست. پس موجه نیست که بگوییم در جایی که مبهم باشد با این امر فرقی نمی‌کند. اگر به صراحت دلیل گفته بود: کشف ستر فرد معین جایز نیست، در این صورت نمی‌توانستیم بگوییم فرد مبهم را به این تسری بدهیم. مگر اینکه در مبانی حرف بزنیم و بگوییم که مبنا «مایکره» است. یا اینکه بگوییم «ماستره الله» است اما این مبنا، ظهور به جای معلوم ندارد. در جایی که دایره مضیق است، شامل می‌شود. اگر این‌چنین بگوییم، می‌توانیم قبول کنیم. اما الغای خصوصیت با در نظر گرفتن مبنای «ماستره الله» خیلی بعید است.

## نتیجه‌گیری

با توجه به نظریاتی که بیان شد و اشکالاتی که به نظر آیت‌الله امام (ره) و آیت‌الله تبریزی (ره) گرفتیم، باید بگوییم عدم حرمت، اظهر و اولی است. البته جای احتیاط وجود دارد.

### فروعات بیان نظر امام (ره)

در فرمایشات حضرت امام (ره) فروعاتی وجود دارد. به همین خاطر، با تقریر دیگر این مطلب را بیان می‌کنم.

#### اقسام امر مردد و مبهم

یک بحث کلی در اینجا وجود دارد. این بحث، مردد و مبهم است. امر مردد و مبهم، انواعی دارند:

#### الف) مبهم علی الاطلاق

امری که فی‌الواقع مبهم و مردد است. یک مفهوم اجمالی و مبهم است که مصداق معین ندارد. این ابهام واقعی ثبوتی است. چیزی که به تمام معنای کلمه، مبهم است. مثلاً کسی بگوید: احد الفردین یا احد الافراد جمعی که در ذهن شخص، مصداقی ندارد. این عنوان هیچ شاخصه‌ای ندارد که معلوم باشد. این عنوان به هیچ کدام منطبق نیست اما امکان انطباق بر هر کدام دارد. یا مثلاً می‌گوید یکی از این جمع‌، بخیل هستند. این بخل بر همه جمع منطبق است اما امکان انطباق بر هر کدام دارد. این مبهم و مردد ثبوتی است که در متن واقع و در علم گوینده ابهام دارند. این مبهم علی الاطلاق است. یا مجمل و مبهم ثبوتی که در متن واقع، تعینی ندارد.

#### ب) مبهم در عالم ذهن و علم

قسم دوم فی عالم الواقع متعین است. اما از لحاظ علم، تعین ندارد. مقصود از علم، گاهی گوینده و شنونده است. اما ما ناظر به علم گوینده هستیم. وقتی کسی می‌گوید یکی از این‌ها بخیل است. در عالم واقع تمام این‌ها بخیل نیستند بلکه فقط یک نفر این‌ها بخیل است. یا مثلاً بگوییم یکی از ظروف نجس است. تمام این ظروف نجس نیستند،‌ اما در ذهن گوینده ظرف نجس تعین ندارد. این در عالم ثبوت،‌تعین دارد اما در عالم ذهن، تعین ندارد. این مورد نیز تقسیماتی دارد:

1. گاهی در ذهن متکلم تعین ندارد.

2. گاهی در ذهن گوینده تعین ندارد.

3. گاهی در ذهن هیچ‌کس تعین ندارد.

#### ج) مبهم و مردد اثباتی اظهاری

امر در واقع تعین دارد. در عالم شناخت و معرفت متکلم،‌ تعین دارد، یا حتی در عالم شناخت گوینده نیز تعین دارد، اما در مقام اظهار و اعلام (اظهار و اعلام مقام اثبات هستند) مبهم آورده می‌شود. این ابهام در کلام آمده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «**قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَ إِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلى‏ هُدىً أَوْ في‏ ضَلالٍ مُبينٍ**»[[1]](#footnote-1)

مسلمان‌ها و کفار،‌یا در هدایت و یا در ضلالید. این کاملاً مبهم است. این اجمال، مجمل واقعی قسم اول نیست. مجمل در علم گوینده نیز نیست. اما به خاطر مصلحتی، این امر را به صورت مجمل بیان کرده‌اند. منظور آیه این است که ما بی‌طرفیم باید راه حق را پیدا کنید. ما هیچ پیش قضاوتی نداریم.

قطعاً در عالم واقع، مسلمانان بر هدایت هستند. در عالم علم خداوند و شنوندگان مسلمان نیز همین است. اما برای اینکه با دیگران همراهی کند و در آن‌ها نفوذ بیشتری کند، در مقام بیان، مجمل و مبهم بیان می‌کند.

این قسم نیز به اقسامی تقسیم می‌شود:

1. گوینده علم دارد.

2. شنونده علم دارد.

3. هر دو علم دارند.

#### غیبت مبهم و مجمل

در غیبت نیز سه نوع مبهم و مجمل متصور است. گاهی قسم اول است و کلی است و فی‌الواقع مبهم است. گاهی قسم دوم است. در عالم واقع معین است اما شخص نمی‌داند. گاهی نیز قسم سوم است. در عالم واقع معین است، گوینده و شنونده نیز می‌دانند اما به خاطر مصلحتی بیان را مجمل می‌کند.

این فروض در غیبت تفاوتی ندارند. درست است که این اقسام در مباحث دیگر متفاوت‌اند اما در غیبت متفاوت نیستند. البته باید بگوییم که این مراتب دارد. درجایی که تعینی وجود ندارد، قطعاً راحت‌تر می‌توانیم بگوییم اشکالی ندارد.

البته می‌توانیم بگوییم در قسم سوم در جایی که هر دو علم دارند، ممکن است الغای خصوصیتی که نظر آیت‌الله تبریزی (ره) بود،‌جاری شود.

1. **- سوره سبأ، آیه 24.** [↑](#footnote-ref-1)